بررسی نقش و کارکرد خانواده در اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی: یک مطالعهٔ کیفی[1]

لیلا ترابیان[2]
دکتر فریده عامری[3]
دکتر زهره خسروی[4]
دکتر شکوه‌سادات بنی‌جمالی[5]

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی کارکرد و نقش خانواده در شکل‌گیری و تداوم اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از روش نظریهٔ زمینه‌ای انجام شده است. در این پژوهش ۳۹ دانش‌آموز (۲۵ دختر و ۱۴ پسر)، ۱۲ والد و ۱۱ روانشناس، با استفاده از پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته مورد مصاحبه قرار گرفتند و داده‌ها با روش اشتراس و کوربین تحلیل شدند. بر اساس یافته‌های پژوهش، دانش‌آموزان به ۱۶ مفهوم اولیه اشاره کردند. مفاهیم مطرح شده از سوی دانش‌آموزان در ۴ مقوله فرعی (سبک فرزندپروری مستبدانه، غفلت و بی‌توجهی، ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین، و عوامل جمعیت‌شناختی) طبقه‌بندی شدند. والدین به ۲۰ مفهوم اولیه اشاره کردند. مفاهیم مطرح شده از سوی والدین به ۶ مقوله فرعی (۴ مقوله مشابه با دانش‌آموزان و دو مقولهٔ دیگر با عنوان مرزها و نقشهای مبهم و مشکلات زناشویی) و یک مقولهٔ محوری با عنوان عوامل خانوادگی تخصیص یافتند. روانشناسان به ۱۲ مفهوم اولیه اشاره کردند که به ۵ مقوله همسان با والدین و دانش‌آموزان طبقه‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری والدین، ساختار و کارکرد خانواده (شامل هرج‌ومرج، کاهش اقتدار والدین، ناهماهنگی و اختلاف‌نظر والدین، متهم‌سازی یکدیگر، ناهماهنگی والدین در زمینهٔ تربیت فرزندان، پنهان‌سازی، حضور کمرنگ پدر در خانواده، تک‌فرزندی، و امکانات‌رفاهی) و ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین (مانند درون‌گرایی، پرخاشگری، کمال‌گرایی، افسردگی و اضطراب) در اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی نقش دارند، بنابراین سبک فرزندپروری، روابط اعضای خانواده با یکدیگر و نقشها و مرزها در این خانواده‌ها نیازمند اصلاحات اساسی است.

کلید واژگان: خانواده، اعتیاد نوجوانان، شبکه‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران (نویسنده مسئول) L.torabian@yahoo.com
۳. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران f.ameri@alzahra.ac.ir
۴. استاد گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران z.khosravi@alzahra.ac.ir
۵. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران drbaniJamali@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

مقدمه

با افزایش دسترسی افراد به فضای مجازی، اعتیادی جدید تحت عنوان اعتیاد به اینترنت[1] شکل گرفته است که نشان‌دهندهٔ ناتوانی فرد در استفاده مناسب از اینترنت است (لوپز-فرناندز[2]، ۲۰۱۵). یانگ[3]، (۱۹۹۸) مطرح کرده که افراد معتاد به اینترنت حداقل ۳۸ ساعت در هفته وقت خود را صرف استفاده از آن می‌کنند. اعتیاد به اینترنت شامل ملاکهایی مانند غفلت از زندگی شخصی، اشتغال ذهنی مداوم، فرار از واقعیت، تغییرات خلقی، علائم ترک و تحمل می‌شود (کاس[4] و گریفیتس[5]، ۲۰۱۱). نتایج بررسیها نشان داده‌است که نوجوانان بیش از سایرین از فضای مجازی استفاده می‌کنند (ویدیانتو[6] و مک‌مورِن[7]، ۲۰۰۴) و در حال حاضر فضای مجازی بخشی مهم از زندگی آنها به شمار می‌آید (وو[8] و همکاران، ۲۰۱۶). با وجود این به دلیل عدم تکامل رشد جسمی و ذهنی نوجوانان، نگرانیهایی در زمینهٔ خطرات و آسیبهای این فضا برای آنها وجود دارد (ون‌دن ایندن[9] و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعات پیشین نشان داده‌است که خانواده نقشی تعیین کننده در سلامت روانی و رفتاری نوجوانان دارد (اویزرمن[10] و همکاران، ۲۰۰۲) و کیفیت روابط درون خانواده مهم‌ترین عامل حمایتی در برابر اعتیاد نوجوانان است (بلاستاین[11] و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین احساس رضایت از زندگی خانوادگی در بهزیستی روانی نوجوانان و جلوگیری از اعتیاد آنها نقش دارد (بونر[12] و فان[13]، ۲۰۱۷؛ چو[14] و همکاران، ۲۰۱۳؛ رایت و کولن[15]، ۲۰۰۱). بنابراین‌کارکرد خانواده می‌تواند سلامت جسمی، هیجانی و اجتماعی فرزندان را تحت‌تأثیر قرار دهد چراکه خانواده نخستین مکانی است که پیوندهای عاطفی افراد در آن شکل می‌گیرند و رفتار والدین چه خشن، چه مهربان و با عطوفت، زمینه‌های اساسی شخصیت فرزندان را شکل می‌دهد. رفتارهای نابهنجار والدین می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات و مشکلات رفتاری فرزندان شود (آبستر و همکاران، ۱۳۹۱). آنچه در خانواده اتفاق می‌افتد، عامل مهمی در انعطاف‌پذیری و کاهش

1. Internet addiction
2. Lopez-Fernandez
3. Young
4. Kuss
5. Griffiths
6. Widyanto
7. McMurran
8. Wu
9. Van den Eijnden
10. Oyserman
11. Blustein
12. Bonnaire
13. Phan
14. Cho
15. Wright & Cullen

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

مشکلات فعلی و آتی فرزندان است (جعفری، ۱۳۹۷). یکی از عوامل روانی‌اجتماعی مؤثر در رفتارهای مشکل‌آفرین، سبک فرزندپروری والدین است، به طوری که مطالعات پیشین نشان داده‌است، سبکهای مبتنی بر اجبار و فشار یا بی‌توجهی و عدم حمایت از فرزندان، مشکلات رفتاری فرزندان را افزایش می‌دهد (زمانی و عابدینی، ۱۳۹۲). عدم نظارت والدین و مقررات ناپایدار در خانواده (سو[1] و همکاران، ۲۰۱۴) یا کنترل و تحمیل مقررات شدید از سوی والدین (لورنته[2]، ۲۰۰۲)، احتمال اعتیاد نوجوانان به فضای مجازی را افزایش می‌دهد. نوجوانان وابسته به فضای مجازی روابط عاطفی با والدین و دوستان را ارضاکننده نمی‌دانند و احساس رضایت بیشتری از روابط مجازی دارند (کو[3] و همکاران، ۲۰۰۵؛ سالیچتسیا[4]، ۲۰۱۵). چنین افرادی به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات خانوادگی گرایش می‌یابند. آمارها حاکی از آن است که تعداد کاربران ایرانیِ فضای مجازی طی سالهای اخیر بیست و پنج برابر شده‌است و ۳۵ درصد از آنها جمعیت بسیار جوان هستند(محمدخانی و همکاران، ۲۰۱۷). اعتیاد به فضای مجازی در سنین نوجوانی می‌تواند آسیبها و پیامدهایی نامطلوب برای فرد و خانواده به همراه داشته باشد، بنابراین بررسی عواملی که می‌تواند بستری مناسب برای شکل‌گیری و تداوم آن باشد، ضروری به نظر می‌رسد. اگر چه در زمینه اعتیاد به اینترنت و آسیبهای ناشی از آن، پژوهشهایی در داخل و خارج از کشور انجام شده‌است، اما این پژوهشها که عمدتاً به شیوهٔ کمّی صورت گرفته‌اند، تنها به گروه پراکنده‌ای از عوامل اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی، امکان بررسی عوامل خانوادگی متعدد و ارتباط میان این عوامل و نقش هر یک از آنها در شکل‌گیری این اختلال فراهم می‌شود. از سویی هم، مطالعات پیشین کارکرد خانواده را از منظر نوجوانان بررسی کرده‌اند و نظر والدین در این زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. با توجه به اینکه نقش خانواده در شکل‌گیری آسیبهای دوران نوجوانی تایید شده‌است، به نظر می‌رسد بررسی عمیق این مسئله از طریق مصاحبه و گفتگوی چهره‌به‌چهره با والدین و دانش‌آموزانی که تجربه واقعی اعتیاد به فضای مجازی را داشته‌اند، می‌تواند در فهم عمیق کارکرد و نقش خانواده مؤثر باشد. همچنین اجرای این پژوهش فرصتی را فراهم آورده‌است که تجربه والدین و نوجوانان در زمینه فضای مجازی با توجه به دیدگاههای متفاوت هر دو نسل مورد بررسی قرار گیرد و اشتراکات و اختلاف‌نظرات هر دو گروه مشخص شود. بنابراین در این پژوهش سعی شده‌است که به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

1. Xu
2. Lorente
3. Ko
4. Salicetia

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

۱. دیدگاه دانش‌آموزان در زمینهٔ عوامل خانوادگی مؤثر در اعتیاد آنها شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟

۲. دیدگاه والدین در زمینهٔ عوامل خانوادگی مؤثر در اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش نظریهٔ زمینه‌ای انجام گرفته است. این روش، نوعی راهبرد کیفی است که به منظور استخراج نظریه، به بررسی و مشاهدهٔ منظم داده‌ها از طریق مصاحبه و یادداشت‌برداری می‌پردازد (تریسی[1]، ۲۰۱۲). این روش همسان با وضعیت معرفت‌شناختی سؤالات پژوهش است.

ابزار پژوهش

روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در ابتدا به منظور تهیهٔ محورهای اصلی مصاحبه کتابها، مقالات و پرسشنامه‌های موجود در این زمینه در داخل و خارج از کشور مطالعه و بررسی شده و محورهای اصلی و مهم مشخص شدند. سپس فهرستی مقدماتی از سؤالات مصاحبه برای شرکت‌کنندگان پژوهش (دانش‌آموزان، والدین و روان‌شناسان) تهیه شد. به منظور بررسی اعتبار صوری و محتوایی، سؤالات مصاحبه به سه تن از همکاران پژوهش (اساتید و متخصصان روان‌شناس) ارائه و پس از بررسی و تایید سؤالات از سوی آنها، نسخه اصلی سؤالات مصاحبه برای هریک از گروهها تهیه شد. سؤالات مصاحبه شامل واکنش متقابل والدین و فرزندان، شیوه‌های کنترل و نظارت والدین، روشهای حل مسائل و شیوهٔ تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر بود. در نسخه نهایی برای گروه روان‌شناسان ۲۶ سؤال، گروه والدین ۴۲ سؤال و برای گروه نوجوانان ۵۱ سؤال در نظر گرفته شد.

پرسشنامه اعتیاد به اینترنت (IAT) (یانگ، ۲۰۰۷) دارای ۲۰ گویه است که به منظور سنجش میزان و شدت استفاده از اینترنت بر پایه تجارب بالینی و بر اساس مقیاس لیکرت (۵ درجه‌ای) ساخته شده‌است. در ایران در پژوهش قاسم زاده و همکاران (۲۰۰۸)، آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و پایایی خارجی آن میان ۰/۵۴ تا ۰/۸۲ گزارش شده‌است (کورکی و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Tracy

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

جامعهٔ آماری

جامعهٔ آماری این پژوهش شامل سه گروه است. الف) دانش‌آموزان وابسته به فضای مجازی که در مقطع متوسطه دوم (دبیرستان)، در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در مدارس شهر تهران مشغول به تحصیل بودند. ب) همهٔ والدین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران که فرزندان وابسته به فضای مجازی داشتند. ج) همهٔ روانشناسان شهر تهران که تجربهٔ اقدامات بالینی یا پژوهشی در زمینهٔ اعتیاد نوجوانان به اینترنت داشتند.

روش نمونه‌گیری

به منظور مطابقت با طرح پژوهش، انتخاب نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند[1] انجام گرفت. هدف از این روش انتخاب شرکت‌کنندگانی بود که تجارب یا اطلاعاتی ویژه در زمینهٔ موضوع پژوهش (اعتیاد نوجوانان به فضای مجازی) داشتند. نخست پژوهشگر با کسب مجوز از آموزش و پرورش تهران و با همکاری مراکز مشاورهٔ آموزش و پرورش به شناسایی دانش‌آموزانی پرداخت که اخیراً به دلیل اعتیاد به اینترنت و مشکلات ناشی از آن به این مراکز مراجعه کرده بودند. سپس از طریق تماس تلفنی از آنها خواسته شد که به همراه والدین‌شان به مراکز مشاوره مراجعه کنند. پس از مراجعه و توجیه آنها در زمینه اهداف پژوهش، ارزیابی اولیه از میزان و شدت استفادهٔ آنها از فضای مجازی از طریق پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ انجام شد. در نهایت نوجوانانی که نمرهٔ آنها در پرسشنامه بیش از ۶۵ (نقطهٔ برش نشان‌دهندهٔ اعتیاد شدید به فضای مجازی) بود، مورد مصاحبه قرار گرفتند. علاوه بر دانش‌آموزان، مصاحبه‌ای نیز با شماری از والدین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انجام شد. دو ملاک اصلی برای ورود دانش‌آموزان و والدین به پژوهش عبارت بود از: ۱. نوجوانان ۱۹-۱۵ساله مشغول به تحصیل در دبیرستان که حداقل در طول روز پنج ساعت از فضای مجازی استفاده می‌کردند. ۲. وقت‌گذرانی افراطی آنها در شبکه‌های اجتماعی(تلگرام و اینستاگرام) منجر به تعارضات خانوادگی و مشکلات تحصیلی شده بود. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به احساس اشباع پژوهشگر ادامه یافت، به طوری که مصاحبه با آخرین شرکت‌کنندگان، مضمونها و مفاهیم جدیدی را به همراه نداشت و مضمونها و مفاهیم به‌دست‌آمده از شرکت‌کنندگان قبلی به طور مکرر در اظهارات آخرین شرکت‌کنندگان تکرار می‌شد. با توجه به ملاکهای پژوهش ۳۹ نفر از دانش‌آموزان (۲۵ دانش‌آموز دختر، ۱۴ دانش‌آموز پسر) و ۱۲ نفر از مادران به صورت انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند. اطلاعات جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان در جدول شماره ۱

1. Purposive sampling

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

خلاصه شده است. علاوه بر دانش‌آموزان و والدین، تعدادی از روانشناسانی که تجربه اقدامات بالینی یا پژوهشی در این حوزه داشتند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. این امر فقط به منظور افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش صورت گرفته است. انتخاب روانشناسان از طریق روش زنجیره‌ای انجام شد و هر یک از آنها سایر همکاران خود را که در این زمینه تجربه کافی داشتند، معرفی کردند. روانشناسان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۱۱ نفر بودند، که ۷ نفر از آنها عضو هیأت علمی دانشگاه بودند (۱ نفر دانشجوی دکتری و ۱۰ نفر دارای مدرک دکتری بودند). ابتدای هر مصاحبه پژوهشگر توضیحات لازم را به شرکت‌کنندگان در زمینه اهداف پژوهش ارائه و ضمن اعتمادسازی، رضایت آنها را در زمینه استفاده از ضبط صوت کسب می‌کرد. مصاحبه با هر یک از شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی صورت گرفت و به طور میانگین، هر مصاحبه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی دانش آموزان

۱۴ دانش آموز پسر	**۲۵ دانش آموز دختر**
متوسط استفاده طی روز، ۶ ساعت	**متوسط استفاده طی روز، ۵ ساعت**
۴ نفر تک فرزند	**۵ نفر تک فرزند**
۱ نفر زندگی با مادر (تک والد)	**۴ نفر زندگی با مادر (تک والد)**

اعتبار و پایایی

یکی از معیارهای اعتبار و پایایی یافته‌ها در پژوهش کیفی، قابلیت اطمینان[1] آنهاست. از این رو، متن خام مصاحبه‌ها به دو متخصص پژوهشگر کیفی ارائه شد و آنها با توجه به برداشت خود کدگذاریهایی را انجام دادند. سپس با مقایسهٔ کدهای پژوهشگر و دو متخصص در مواردی که عدم هماهنگی وجود داشت، سعی شد تا نظرات به هم نزدیک شوند. برای بررسی مقبولیت یا قابلیت پذیرش[2] دیدگاه مشارکت‌کنندگان، مفاهیم به دست‌آمده به صورت تصادفی به ۴ نفر از شرکت‌کنندگان برگردانده شد، تا اطمینان حاصل شود که تفسیر نتایج، مشابه نظر آنها بوده‌است. در مواردی که این مشابهت وجود نداشت، برای رفع ابهام دوباره از فرد سؤالاتی پرسیده شد و دوباره مراحل پیاده کردن مصاحبه و کدگذاری انجام و نتایج نهایی بار دیگر به فرد مورد نظر ارائه شد.

1. Dependability
2. Credibility

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

برای افزایش اعتبار پژوهش، از روش مثلث‌سازی[1] و برای گردآوری داده‌ها از سه منبع گوناگون (دانش‌آموزان، والدین، روانشناسان) استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با روش اشتراس و کوربین انجام شد. ابتدا اطلاعات حاصل از مصاحبه روی کاغذ پیاده‌سازی شد. متن مصاحبه‌ها به صورت مکرر مطالعه شد تا درک کلی به دست آید. به هر جمله مفهومی اختصاص یافت که به این مرحله اصطلاحاً کدگذاری باز گفته می‌شود. برای مثال اظهارات یکی از مراجعان مانند: من از این همه کنترل کردن خسته‌ام و اصلاً راضی نیستم؛ با مفهوم کنترل و نظارت شدید کدگذاری شد. پس از استخراج همهٔ مفاهیم اولیه، داده‌های حاصل از کدگذاری باز (مفاهیم اولیه) با یکدیگر مقایسه شدند و کدهای مشابه در یک طبقه قرار گرفتند (کدگذاری محوری). برای مثال کنترل و نظارت شدید، آستانه تحمل پایین والدین، سرزنش و مقایسه در یک مقوله تحت عنوان سبک فرزندپروری مستبدانه قرار گرفتند. در مرحله سوم طبقاتی که در مرحله کدگذاری محوری به دست آمدند، به یک طبقه مرکزی یا اصلی مرتبط شدند. برای مثال سبک فرزندپروری مستبدانه، بی‌توجهی و غفلت و ویژگیهای شخصیتی والدین در طبقه کلی عوامل خانوادگی قرار گرفتند. همهٔ مقولات به‌دست‌آمده از شرکت‌کنندگان پژوهش به صورت جداگانه در بخش ذیل ارائه شده است.

یافته‌ها

سؤال ۱. دیدگاه دانش‌آموزان در زمینه عوامل خانوادگی مؤثر در اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟

دانش‌آموزان در اظهارات خود به ۱۶ مفهوم اولیه (مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر، کنترل و نظارت شدید، آستانهٔ تحمل پایین، تحمیل نظرات از سوی والدین، عدم صمیمیت، سرزنش و مقایسه، ترس از واکنش منفی والدین، عدم تنظیم مقررات، عدم پذیرش، دسترسی زودهنگام، پرخاشگری، کمال‌گرایی، درون‌گرایی، افسردگی، اضطراب و وسواس والدین، تک‌فرزندی، و امکانات‌رفاهی) اشاره کردند. مفاهیم به‌دست‌آمده از دانش‌آموزان به ۴ مقوله اصلی (سبک‌فرزندپروری مستبدانه، غفلت و بی‌توجهی، ویژگیهای شخصیت و اختلالات والدین، و عوامل‌جمعیت‌شناختی) اختصاص یافتند. دانش‌آموزان در اظهارات خود به عوامل ذیل اشاره کردند.

1. Triangulation

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

الف) سبک فرزندپروری مستبدانه: والدین مستبد کنترل شدیدی را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. آنها آزادی فرزندان را محدود می‌کنند و همین امر معمولاً منجر به نارضایتی و طغیان فرزندان در دوران نوجوانی می‌شود. ۱. مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر یکی از مفاهیمی است که برخی از دانش‌آموزان به آن اشاره کردند. برخی از نوجوانان از وجود چنین مقرراتی در خانوادهٔ خود ناراضی بودند: «من این فضای خونه رو دوست ندارم. اصلاً از بچگی این مقررات رو دوست نداشتم». ۲. کنترل و نظارت شدید: «من از این همه کنترل کردن خسته‌ام و اصلاً راضی نیستم. من دوست دارم آزاد باشم. از نظر من این اضطرابها بی‌دلیل است. بچه هم که بودم، نمی‌ذاشتن روی پای خودم وایسم، مثلاً حتی می‌گفتن، می‌افتی دستمونو می‌گرفتن. مدام کنترلمون می‌کنن. کنترلی که به نفع ما نیست». ۳. آستانه تحمل پایین نسبت به اشتباهات فرزندان. این قبیل والدین تحمل شنیدن نظرات مخالف را ندارند و آستانه تحمل پایینی نسبت به اشتباهات فرزندان خود نشان می‌دهند: «داد می‌زنن و دعوام می‌کنن و بعضی وقتها حتی کتکم می‌زنن. پدرم فحش می‌ده، وقتی اشتباه می‌کنم. مامانم همش می‌گه تو نباید اشتباه کنی و وقتی اشتباه می‌کنم خیلی عصبانی می‌شن و می‌گن که من نباید اشتباه کنم». ۴. عدم صمیمیت. نوجوانان باور دارند که والدین آنها قادر به درک مسائل آنها نیستند، بنابراین سعی در جستجو و ارضای نیازهای عاطفی خود از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. «در واقع من محبتی که از خانواده‌ام به دست نیاوردم تو اینترنت جستجو می‌کنم. دوست داشتم به من نزدیک‌تر بودن تا من درد دلمو تو فضای مجازی نکنم». ۵. سرزنش و مقایسه. برخی از دانش‌آموزان مطرح ساختند که والدین آنها افرادی سرزنش‌گر هستند و گرایش زیادی به مقایسهٔ آنها با دیگران دارند: «پدرم خیلی سرزنش می‌کنه، مقایسه هم زیاد می‌کنه. کلاً مادر و پدرم زیاد مقایسه می‌کردن و همین کارهای اونها باعث شد که من فکر کنم که نمی‌تونم کاری رو درست انجام بدم». ۶. تحمیل نظرات از سوی والدین. برخی از دانش‌آموزان گزارش دادند که والدین‌شان تأکید بسیار بر مسائل درسی آنها دارند و معمولاً آنها را تحت فشار زیادی قرار می‌دهند، تا انتظارات و توقعات‌شان را جامه عمل بپوشانند. این امر موجب نارضایتی فرزندان و کاهش سطح تلاش آنها شده‌است. «خانواده ام مشکلاتم را درک نمی‌کنن و به جز مسائل درسی مادرم به مسائل دیگه اهمیت نمی‌ده. مثلاً فوتبال را یک تفریح می‌دونه، ولی من یک هدف می‌بینم. همین کارش منو عصبانی می‌کنه. احساس می‌کنم بیشتر از توانم از من انتظار دارن». ۷. ترس از واکنش منفی والدین، یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که دانش‌آموزان به آن اشاره نمودند. «با مادرم و پدرم صحبت نمی‌کنم. تو خونه با هیچ کدوم راحت نیستم، چون من را درک نمی‌کنن اصلاً».

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

ب) بی‌توجهی و غفلت: بی‌توجهی و غفلت نسبت به فرزندان یکی دیگر از مواردی است که بیشتر دانش‌آموزان پسر به آن اشاره داشتند. ۱. در این سبک‌فرزندپروری، مقررات و قوانین بازدارنده‌ای از سوی والدین تنظیم نمی‌شود یا والدین نسبت به نقض این قوانین واکنش سهل‌گیرانه‌ای نشان می‌دهند: «کسی تو خونه به کار من کاری نداره، من تا هر ساعتی که بخوام بیدارم یا تو اینترنت هستم». ۲. دسترسی زودهنگام به فضای مجازی یکی دیگر از مفاهیمی است که دانش‌آموزان مطرح کردند. «از وقتی ابتدایی بودم از فیس‌بوک استفاده می‌کردم». ۳. عدم پذیرش و صمیمیت در خانواده.

ج) ویژگیهای شخصیت و اختلالات روان‌شناختی والدین: این ویژگیها و اختلالات می‌تواند کمیت وکیفیت تعاملات درون خانواده را تحت‌تأثیر قرار دهد. ۱. پرخاشگری والدین یکی از ویژگیهای شخصیتی است که برخی از دانش‌آموزان به آن اشاره کردند. آنها مطرح ساختند که خلق منفی و پرخاشگری والدین‌شان مانع از شکل‌گیری روابط مسالمت‌آمیز میان اعضای خانواده می‌شود. «پدرم یه آدم عصبی هست، که وقتی باهاش حرف می‌زنی اصلاً نمی‌تونه درکت کنه. سریع جوش میاره». ۲. کمال‌گرایی والدین یکی دیگر از مشکلاتی است که بسیاری از دانش‌آموزان به آن اشاره کردند. «حتی وقتی که نمره خوبی هم می‌گیرم پدرم ناراضی هست، پدرم از افت شدید تحصیلیم خبر نداره». ۳. اختلالات روانشناختی والدین مانند افسردگی، اضطراب و وسواس یکی دیگر از مسائلی است که دانش‌آموزان به آن اشاره کردند.«مادرم بیماری اعصاب داشت و قرص مصرف می‌کرد. وابسته شده‌بود. همش می‌خوابید و زندگی عادی ما مختل می‌شد. من سر این مسئله خیلی اذیت شدم. وقتی که قرص می‌خورد، حاضر نبودم باهاش جایی برم، چون حالتاش دست خودش نبود، شل صحبت می‌کرد، من احساس اذیت زیادی می‌کردم».

د) عوامل جمعیت‌شناختی: دانش‌آموزان به برخی از عوامل جمعیت‌شناختی اشاره کردند. ۱. تک فرزندی و نداشتن هم صحبت در خانواده یکی دیگر از مسائلی است، که دانش‌آموزان به آن اشاره کردند.«این که کسی رو ندارم و تک فرزند هستم تأثیر داره. چون تنها هستم و مادر و پدرم خونه نیستند». ۲. امکانات رفاهی. دانش‌آموزان در زمینهٔ امکانات رفاهی به مسئلهٔ تعدد وسایل ارتباطی اشاره کردند و باور داشتند که دسترسی به وسایل ارتباطی گوناگون در وابستگی آنها به فضای مجازی نقش داشته‌است. «من گوشیمو خاموش کردم، ولی فایده نداشت. چون گوشیمو خاموش کنم، میرم سراغ لپ‌تاپ، یا تبلت و با اونها آنلاین می‌شم».

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌هایی که دانش آموزان مطرح کردند

مقولهٔ محوری	مقوله‌های‌فرعی	مفاهیم
عوامل‌خانوادگی	فرزندپروری مستبدانه	مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر
		کنترل و نظارت شدید
		آستانه تحمل پایین
		عدم‌صمیمیت
		تحمیل نظرات از سوی والدین
		سرزنش و مقایسه مداوم
		ترس از واکنش منفی والدین
	غفلت و بی‌توجهی	عدم تنظیم مقررات
		عدم پذیرش
		دسترسی زودهنگام
	ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین	پرخاشگری
		درون‌گرایی
		کمال‌گرایی
		افسردگی، اضطراب، وسواس
	عوامل جمعیت‌شناختی	تک‌فرزندی
		امکانات‌رفاهی

سؤال ۲. دیدگاه والدین در زمینه عوامل خانوادگی مؤثر در اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟

والدین در اظهارات خود به ۲۰ مفهوم اولیه (شامل کنترل و نظارت شدید، آستانه تحمل پایین، عدم‌صمیمیت، تحمیل نظرات، ترس از واکنش منفی والدین، عدم تنظیم مقررات، عدم کنترل و نظارت، هرج‌ومرج، کاهش اقتدار والدین، ناهماهنگی و اختلاف‌نظر والدین، متهم‌سازی یکدیگر، ناهماهنگی والدین در زمینهٔ تربیت فرزندان، پنهان‌سازی، حضور کمرنگ پدر در خانواده، تک‌فرزندی، امکانات‌رفاهی، پرخاشگری، کمال‌گرایی، درون‌گرایی، اضطراب و افسردگی والدین) اشاره کردند که این مفاهیم به ۶ مقولهٔ فرعی (شامل فرزندپروری مستبدانه، بی‌توجهی و غفلت، مرزها و نقشهای مبهم در خانواده، مشکلات‌زناشویی، عوامل جمعیت‌شناختی، و ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین) اختصاص یافتند.

الف) سبک فرزندپروری مستبدانه: الگوهایی را که والدین مطرح کردند، بیانگر آستانه تحمل پایین و صمیمیت اندک در میان اعضای خانواده است. ۱. آستانه تحمل پایین: والدین گزارش

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

داده‌اند که در مواجهه با اشتباهات فرزندان، از تنبیه و خشونت استفاده می‌کنند.«من وقتی که گوش به حرفم نمی‌داد کتکش می‌زدم. وقتی هم که کوچیک بود، خیلی تنبیه بدنیش می‌کردم و الان خیلی پشیمون هستم». ۲. عدم صمیمیت. در این خانواده‌ها ارتباطات مخدوش و پرحاشیه میان والدین و فرزندان دیده می‌شود. «ارتباط عاطفی تو خونهٔ ما ضعیفه. به نظر من رفتار ما توی خانه درست نیست و همین باعث مراجعه پسرم به موبایلش می‌شه». ۳. تحمیل نظرات از سوی والدین. والدین گزارش دادند که معمولاً با درخواستهای فرزندان خود مخالفت می‌کنند. در میان اعضای این خانواده‌ها انعطاف‌پذیری، مشورت و همفکری به میزان کمتری وجود دارد. «آخه پدرش هم اخلاقی که داره این هست، که هنوز حرف از دهن بچه درنیومده مخالفت می‌کنه، با همه چیز مخالفت می‌کنه». ۴. ترس فرزندان از واکنش منفی والدین. به دلیل واکنش منفی و غیرمنطقی والدین، نوجوانان دست به پنهان‌کاری می‌زنند و سعی می‌کنند که مشکلات خود را از والدین مخفی کنند. «می‌گه که من از تو ترسیدم که نیومدم فلان موضوع رو به تو بگم. اما یه اشتباهی که می‌کنه، من هم جبهه می‌گیرم، زود عصبی می‌شم».

ب) غفلت و بی‌توجهی نسبت به فرزندان: ۱. عدم تنظیم مقررات و عدم پایبندی به مقررات یکی دیگر از مفاهیمی است که والدین به آن اشاره کردند. آنها گزارش دادند که این مسئله منجر به آزادی مفرط و کنترل نشده نوجوانان شده است. «من مرز و قوانین برایش نذاشتم و نمی‌ذارم. من فکر می‌کنم که آزادی بیش از حد بهش دادم، که شایسته‌اش نبود. ما اشتباهمون همین بود که مقررات نذاشتیم. سخت نمی‌گرفتیم. اگر هم مقرراتی می‌ذاشتیم من خودم طاقت نمی‌آوردم و خودم اونو زیر پا می‌ذاشتم». ۲. کنترل و نظارت ضعیف: والدین گزارش دادند، که بر زندگی روزمره و فعالیتهای فرزندان‌شان در فضای مجازی نظارت کافی ندارند. «من اصلاً موبایلش رو چک نمی‌کنم، برای آرامش خودم».

ج) مرزها و نقشهای مبهم: والدین گزارش دادند که در صورت اعمال کنترل و محدودسازی دسترسی فرزندان به فضای مجازی، معمولاً با پرخاشگری نوجوانان مواجه می‌شوند که در نهایت به افزایش تنش و درگیری در خانواده منجر می‌شود. این امر موجب عقب‌نشینی والدین از موضع خود و در نتیجه سوءاستفاده فرزندان می‌شود. ۱. هرج‌ومرج: «معمولاً اینطور هست که وقتی میخوان گوشی رو از دخترم بگیرن هرج و مرج شدید تو خانواده ما اتفاق می‌افته. منم سعی می‌کنم که کوتاه بیام وگرنه هرج‌ومرج می‌شه. من همش کوتاه میام از بس که خسته شدم تو این زندگی».

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

۲. کاهش اقتدار والدین: «اگر مانع استفاده‌اش بشم، داد و فریاد می‌کنه، کار به بی‌احترامی به من و پدرش کشیده می‌شه».

د) مشکلات زناشویی: برخی از مادران به اختلافات زناشویی خود اشاره کردند. ۱. ناهماهنگی و اختلاف نظر والدین با یکدیگر. «من و همسرم اصلاً رابطه خوبی نداریم و نقطه مقابل هم هستیم، معمولاً در خونه ما، نه من همسرمو قبول دارم نه اون منو». ۲. متهم‌سازی یکدیگر. «همسرم مدام من رو مقصر می‌دونه که باعث شدم که دخترم گوشی داشته باشه». ۳. ناهماهنگی والدین در زمینه تربیت فرزندان. برخی از والدین گزارش دادند که در زمینهٔ روش تربیت فرزندان اختلاف‌نظر شدید دارند. «کلاً همسرم آدمی هست، که معتقده به بچه راحت بگیر و اصلاً سخت‌گیری نکن. اما من فکر نمی‌کنم که آزادی تا این حد زیاد، برای بچه مناسب باشه». ۴. پنهان‌کاری والدین. یکی دیگر از مشکلاتی که مادران به آن اشاره کردند، پنهان‌کاری و مخفی‌کردن رفتارهای نوجوان از پدر خانواده است. «یک سری از کارای دخترمو از شوهرم پنهان می‌کنم. مثلاً وقتی چند ساعت با دوستاش بیرون می‌رفت، و ساعت ۹ شب می‌اومد». ۵. حضور کمرنگ پدر در خانواده، یکی دیگر از مشکلاتی است که مادران به آن اشاره کردند. «واقعاً تو تربیت پسرم، پدرش نقشی نداشت، چون مدام سرگرم کار بود. در واقع شوهر من آلوده به کارش هست و به شدت به کارش اهمیت می‌ده».

و) عوامل جمعیت‌شناختی: ۱. رفاه و امکانات زیاد یکی از مفاهیمی است که والدین به آن اشاره داشتند. آنها مطرح کردند که امکانات رفاهی افراطی سبب نازپروردگی و عدم مسئولیت پذیری نوجوانان شده‌است. «ما از بچگی بهش سرویس دادیم، خیلی چیزها و امکانات براش فراهم کردیم، ولی اشتباه کردیم». ۲. تک‌فرزندی یکی دیگر از مسائلی است که والدین به آن اشاره کردند.

ه) ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین: ۱. پرخاشگری. «تا قبل از این پسرم کنار پدرش کار می‌کرد، شوهرم با پسرم خیلی پرخاشگری می‌کرد، به خاطر همین رفتارهای پدرش از اون فاصله می‌گرفت. شوهر من از نظر اخلاقی خیلی تنده». ۲. درون‌گرایی، انزواطلبی و مهارتهای اجتماعی نابسنده والدین، یکی دیگر از مواردی است که مادران مطرح کردند. «من قبل از دخترم با پدرش خیلی مشکل دارم. مثلاً اینکه شوهرم خیلی اجتماعی نیست. مثلا میهمان که میاد، بلد نیست معاشرت کنه». ۳. کمال‌گرایی. «من خیلی فشار می‌آوردم برای درسش. تأکید زیادی روی درسش داشتم. پدرش هم یکی دوبار سر درس نخوندن از خونه بیرونش کرده. همین مسئله ارتباط ما را با پسرم بدتر کرد». ۴. اضطراب، افسردگی و وسواس والدین. «من همیشه استرسی و مضطرب هستم. خیلی استرس دارم. و الان تو رابطه با پسرم خیلی تأثیر گذاشته».

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

جدول ۳: مقولات و مفاهیم به‌دست آمده از مصاحبه با والدین

مقولهٔ محوری	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
عوامل خانوادگی	فرزندپروری مستبدانه	کنترل و نظارت شدید والدین
		آستانه تحمل پایین
		عدم صمیمیت
		تحمیل نظرات از سوی والدین
		ترس فرزندان از واکنش منفی والدین
	غفلت و بی‌توجهی	عدم تنظیم مقررات
		کنترل و نظارت ضعیف
	مرزها و نقشهای مبهم در خانواده	هرج‌ومرج
		کاهش اقتدار والدین
	مشکلات زناشویی والدین	ناهماهنگی و اختلاف‌نظر والدین
		متهم‌سازی یکدیگر
		ناهماهنگی در زمینهٔ تربیت فرزندان
		پنهان‌کاری
		حضور کمرنگ پدر
	عوامل جمعیت‌شناختی	امکانات‌رفاهی
		تک‌فرزندی
	ویژگیهای شخصیت و اختلالات روانشناختی والدین	پرخاشگری
		درون‌گرایی
		کمال‌گرایی
		افسردگی، اضطراب و وسواس

مفاهیم و مقوله‌های به‌دست آمده از روانشناسان شرکت کننده در پژوهش نیز همسان با مفاهیم و مقوله‌های والدین و دانش‌آموزان است. روانشناسان به عواملی مانند سبکهای فرزندپروری مستبدانه (کنترل و نظارت شدید، عدم صمیمیت)، غفلت و بی‌توجهی والدین (عدم کنترل و نظارت، عدم تنظیم مقررات، عدم پذیرش)، مرزها و نقشهای مبهم (کاهش اقتدار والدین، تسلط فرزندان بر خانواده)، عوامل جمعیت‌شناختی (تک فرزندی، امکانات رفاهی فراوان، نازپروردگی فرزندان) و مشکلات روانشناختی والدین (کمال‌گرایی و اعتیاد والدین به فضای مجازی) اشاره نمودند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه در اعتیاد نوجوانان به فضای مجازی نقش دارد. این یافته همسان یافتهٔ با پژوهش شوکن[1] و همکاران (۲۰۱۰)، لام[2] و همکاران (۲۰۰۹)، جودی و همکاران (۱۳۹۶) و خسروی و علیزاده (۱۳۹۰) است. نوجوانان در این خانواده‌ها به دلیل پیوندهای عاطفی ضعیف، شیوه‌های آمرانه و کنترل و نظارت شدید، در پی رهایی از مقررات و قوانین انعطاف‌ناپذیر موجود در خانواده‌اند. والدین مستبد معمولاً استانداردهای تحصیلی سخت‌گیرانه‌ای دارند (کیم و هاریداکیس[3]، ۲۰۰۹). کمال‌گرایی و سخت‌گیری والدین سبب می‌شود که همواره از عملکرد نوجوانان ناراضی باشند و بدون در نظر داشتن توانایی نوجوانان انتظارات غیرمنصفانه‌ای از آنها داشته باشند. این امر موجب احساس ناتوانی، درماندگی، کاهش اعتمادبه نفس و در نهایت اجتناب نوجوانان از مسائل تحصیلی می‌شود. از این رو، نوجوانان برای کاهش استرس ناشی از مشکلات خانوادگی و تحصیلی، فضای مجازی را به مثابه یک راهبرد جبرانی سهل‌الوصول در نظر می‌گیرند و به دلیل ماهیت فضای مجازی که عاری از هر گونه کنترل و نظارتی است که والدین بر آن اصرار دارند، به استفاده از این فضا وابسته می‌شوند، زیرا میل به استقلال‌طلبی و نیازهای‌عاطفی آنها در ارتباطات مجازی ارضا می‌شود. همچنین کنترل و نظارت شدید والدین مانع از رشد خودکنترلی و خودتنظیمی فرزندان می‌شود، زیرا این والدین فرصت انتخاب‌گری و استقلال عمل را از آنها می‌گیرند، بنابراین فرزندان آنها به وجود منبع کنترل بیرونی وابسته می‌مانند (کیم، هانگ[4]، لی[5] و هیون[6]، ۲۰۱۷). چنین افرادی در مقایسه با سایر کاربران در مدیریت زمانی و خودتنظیمی ناموفق هستند و به میزان بیشتری وقت خود را صرف فضای مجازی می‌کنند و به آن وابسته می‌شوند.

به هم‌ریختگی مرزها و نقشهای درون خانواده و ناهماهنگی و اختلافات زناشویی مشکلاتی اند که والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به آن اشاره کردند. این نتیجه همسان با نتایج پژوهش افشاری و دلپذیر (۱۳۹۵) و زین[7] و همکاران (۲۰۱۸) است. به دلیل اختلافات زناشویی میان والدین و تنظیم مقررات از سوی یکی از آنها و نقض آن از سوی دیگری، نوجوانان می‌آموزند که قوانین ثابتی در خانواده وجود ندارد. در این شرایط نوجوانان از ناهماهنگی والدین در زمینهٔ مسائل

1. Xiuqin
2. Lam
3. Kim & Haridakis
4. Hong
5. Lee
6. Hyun
7. Xin

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

تربیتی سوءاستفاده می‌کنند. آنها تحت‌تأثیر اختلافات والدین ناسازگار می‌شوند و به‌راحتی از قوانین سرپیچی می‌کنند (مختارنیا و همکاران، ۱۳۹۵) و تحت‌تأثیر خلأ عاطفی ناشی از روابط شکنندهٔ درون خانواده، به فضای مجازی گرایش می‌یابند و سعی می‌کنند که نیازهای عاطفی خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی و روابط مجازی برآورده کنند. در پی وابستگی نوجوان به این فضا و پیامدهای آن، تعارضات میان والدین شدت می‌یابد، اما به دلیل ناهماهنگی والدین و توسل به روشهای نابسنده مانند متهم‌سازی یکدیگر یا پنهان‌کاری، تدابیر مناسبی برای کاهش مشکلات نوجوانان (اعتیاد به فضای مجازی) در نظر گرفته نمی‌شود و این مشکلات بدون ارائه راه‌حل منطقی مسکوت می‌ماند. همچنین، نوجوانانی که در خانواده‌های پر تعارض زندگی می‌کنند، به میزان بیشتری مستعد اختلالات روانشناختی (افسردگی و اضطراب) و ناسازگاری در روابط اجتماعی هستند (خواجه‌نوری و دهقانی، ۱۳۹۵). به نظر می‌رسد، نوجوانان به منظور اجتناب از هیجانات منفی ناشی از افسردگی و اضطراب و ناسازگاری در روابط میان–فردی به فضای مجازی وابسته می‌شوند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، والدین در این خانواده‌ها برخی اختلالات روان‌شناختی (اضطراب، وسواس، افسردگی) و ویژگیهای شخصیتی نابهنجار (درون‌گرایی، کمال‌گرایی، پرخاشگری) را از خود نشان می‌دهند. مشکلات روان‌شناختی والدین می‌تواند موجب هیجانات منفی و کاهش بهزیستی روان‌شناختی فرزندان آنها شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۱؛ سلطانی‌فر و همکاران، ۱۳۸۸). اختلالات روان‌شناختی والدین، همچون خلق منفی و اضطراب و استرس مداوم از طریق الگوهای یادگیری به فرزندان قابل انتقال است. افزون بر این مشکلات روانشناختی والدین، سبب ناتوانی در مدیریت استرس زندگی روزمره، افزایش تنش و به‌هم‌خوردن تعادل و آرامش اعضای خانواده و احساس ناامیدی فرزندان می‌شود. چنین والدینی از برقراری رابطه مسالمت‌آمیز با فرزندان و درنتیجه ارضای نیازهای هیجانی و عاطفی آنها ناتوان‌اند. این والدین در روشهای تربیتی خود ایرادگیرند و بیش از حد مداخله‌گر یا نسبت به نیازهای فرزندان بی‌توجه‌اند (آبستر و همکاران، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد نوجوانان در این نوع خانواده‌ها قادر به حل مسائل و مدیریت استرس خود نیستند، زیرا والدین آنها به دلیل مشکلات زناشویی و روانشناختی خود، قادر به آموزش نحوهٔ صحیح برخورد با مشکلات نیستند (جعفری، ۱۳۹۷). بنابراین نوجوانان به منظور رهایی از استرسها و مشکلات زندگی خانوادگی به فضای مجازی پناه می‌برند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که افزایش امکانات رفاهی و تک فرزندی می‌تواند در گرایش و اعتیاد نوجوانان به فضای مجازی نقش داشته باشد. این یافته همسان با نتایج پژوهش ساتن[1] (۲۰۱۳)، لی[2]

1. Satan
2. Li

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

و همکاران (۲۰۱۴) است. در تبیین این یافته می‌توان چنین اظهار کرد که امکانات رفاهی احتمال دسترسی نوجوانان به وسایل ارتباطی متعدد (مانند گوشی، تبلت و لپ‌تاپ) و همچنین امکان داشتن اتاق خصوصی و غیر مشترک را افزایش می‌دهد. این امکانات سبب تنها بودن نوجوانان در فضای خصوصی خانه می‌شود و احتمال سوءاستفادهٔ آنها را از فضای مجازی افزایش می‌دهد. بنابراین سپری کردن ساعات طولانی در انزوا و تنهایی موجب وابستگی و اعتیاد نوجوانان به فضای مجازی و پیامدهای ناشی از آن می‌شود.

اظهارات والدین، دانش‌آموزان و روان‌شناسان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر نشان داد که وجود والدی مستبد و کنترل‌کننده، می‌تواند وابستگی نوجوانان به فضای مجازی را افزایش دهد. والدین مستبد اغلب فرزندان خود را مقایسه و سرزنش می‌کنند، به خودکنترلی و اعتمادبه‌نفس فرزندان‌شان آسیب می‌رسانند و فرصت خودکنترلی، انتخاب‌گری و استقلال عمل را از فرزندان خود می‌گیرند. همچنین اظهارات والدین نشان داد که اختلافات زناشویی و ناهماهنگی والدین در زمینه‌های گوناگون تربیتی (مانند سخت‌گیری در مقابل سهل‌گیری)، به موازات اختلالات روانشناختی و ویژگیهای شخصیتی نابهنجار والدین می‌توانند در افزایش مشکلات رفتاری و هیجانات منفی فرزندان و گرایش آنها به فضای مجازی نقش داشته باشند.

از محدودیتهای پژوهش حاضر این است که والدین شرکت‌کننده در این پژوهش فقط مادران بودند. به نظر می‌رسد، وجود هر دو والد در جریان مصاحبه می‌تواند، اطلاعاتی دقیق‌تر را به همراه داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، مطالعات مشابه با حضور هر دو والد صورت گیرد. همچنین مصاحبه‌ها عمدتاً در اتاق مشاوره مدارس و مراکز مشاورهٔ آموزش و پرورش انجام شده است که می‌تواند تمایل دانش‌آموزان به خودافشایی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نقش غیرقابل انکار و تأثیرگذار خانواده در پیشگیری و کاهش آسیبهای فضای مجازی، پیشنهاد می‌شود که کارگاههای آموزشی رایگان به منظور ارتقای سطح آگاهی والدین، در زمینهٔ فضای مجازی و آسیبهای ناشی از آن برگزار شود. همچنین برگزاری کارگاههای آموزشی در مدارس و سراهای محله به منظور آموزش شیوه‌های فرزندپروری و اصلاح دیدگاه والدین نسبت به مسائل تحصیلی فرزندان و مسئولیت‌پذیر ساختن آنها پیشنهاد می‌گردد. همچنین، اقدامات پیشگیرانه و درمانی در زمینهٔ مشکلات روانشناختی والدین و تعارضات زناشویی آنها می‌تواند در بهبود کیفیت روابط میان اعضای خانواده و کاهش مشکلات رفتاری و وابستگی نوجوانان به فضای مجازی مؤثر واقع شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

منابع

آبستر، عزیزه؛ خانجانی، زینب؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج و بیرامی، منصور. (۱۳۹۱). اختلالات روانی نوجوانان و ویژگیهای شخصیتی نابهنجار والدین: تحلیلی بر نقش شخصیت والدین در سلامت روانی فرزندان. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، *۷*(۲۷)، ۱-۲۲.

افشاری، علی و دلپذیر، زینب. (۱۳۹۵). مقایسه سبکهای فرزندپروری، اعتیاد به اینترنت و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان خودآسیب زن. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، *۷*(۳)، ۵۱-۶۳.

جعفری‌ندرآبادی، معصومه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین میزان وابستگی به فضای مجازی با کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، *۸* (۸)، ۳۰-۴۵.

جودی، زهرا؛ حیدری، حسن و آل‌یاسین، سیدعلی. (۱۳۹۶). پیش‌بینی اعتیاد به فضای مجازی بر اساس سبک‌های فرزندپروری، جو عاطفی خانواده، اضطراب اجتماعی در دانش آموزان دبیرستانی شهر قم. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۲ (۸)، ۱۷-۲۷.

خسروی، زهره و علیزاده صحرائی، امهانی. (۱۳۹۰). رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش آموزان. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، *۸*(۱۴)، ۵۹-۸۰.

خواجه‌نوری، بیژن و دهقانی، رودابه. (۱۳۹۵). مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده: مورد مطالعه: رابطه تعارضات والدینی و سلامت روان نوجوانان. *دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۳ (۷) ،۶۶-۳۷.

ریاحی، فروغ؛ امینی، فاطمه و صالحی‌ویسی، محمد. (۱۳۹۱)، مشکلات رفتاری کودکان و ارتباط آن با سلامت روان مادران. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی جهرم*، *۱۰*(۱)، ۴۶- ۵۲.

زمانی، بی‌بی‌عشرت و عابدینی، یاسمن. (۱۳۹۲). الگوی ساختاری تأثیر سبک فرزندپروری و اعتیاد به بازیهای رایانه‌ای بر عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر. *رویکردهای نوین آموزشی*، *۸*(۲)، ۱۵۶-۱۳۳.

سلطانی‌فر، عاطفه؛ رضایی اردانی، امیر؛ جعفرزاده فدکی، سیدمرتضی و سلطانی‌فر، آزاده. (۱۳۸۸). مطالعه مورد- شاهدی اضطراب و افسردگی در والدین کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی. *اصول بهداشت روانی*، *۱۱*(۱)، ۵۱-۶۰.

کورکی، مریم؛ یزدخواستی، فریبا؛ ابراهیمی، امراله و عریضی‌سامانی، سیدحمیدرضا. (۱۳۹۰). اثربخشی روان نمایشگری در بهبود مهارتهای اجتماعی و کاهش اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دختر. *اندیشه و رفتار*، *۱۷*(۴)، ۲۷۹-۲۸۸.

مختارنیا، ایرج؛ زاده‌محمدی، علی؛ حبیبی‌عسگرآباد، مجتبی و میرزایی‌فر، فروزان. (۱۳۹۵)، تعارضات زناشویی و تعارضات والد- نوجوان: نقش میانجی ارزیابی‌های نوجوان از تعارضات بین والدینی. *خانواده پژوهی*، *۱۲*(۴)، ۶۶۳-۶۸۲.

Blustein, E. C., Munn-Chernoff, M. A., Grant, J. D., Sartor, C. E., Waldron, M., Bucholz, K. K., … Heath, A. C. (2015). The association of low parental monitoring with early substance use in European American and African American adolescent girls. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, *76*(6), 852-861.

Bonnaire, C., & Phan, O. (2017). Relationships between parental attitudes, family functioning and internet gaming disorder in adolescents attending school. *Psychiatry Research*, *255*, 104-110.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

Cho, S. M., Sung, M. J., Shin, K. M., Lim, K. Y., & Shin, Y. M. (2013). Does psychopathology in childhood predict Internet addiction in male adolescents?. *Child Psychiatry and Human Development, 44*(4), 549-555.

Kim, J., & Haridakis, P.M. (2009). The role of Internet user characteristics and motives in explaining three dimensions of Internet addiction. *Computer-Mediated Communication, 14*(4), 988-1015.

Kim, J., Hong, H., Lee, J., & Hyun, M. H. (2017). Effects of time perspective and self-control on procrastination and Internet addiction. *Journal of Behavioral Addictions, 6*(2), 229-236.

Ko, C. H., Yen, C. F., Yen, C. N., Yen, J. Y., Chen, C. C., & Chen, S. H. (2005). Screening for Internet addiction: An empirical study on cut-off points for the Chen Internet Addiction Scale. *The Kaohsiung Journal of Medical Sciences, 21*(12), 545-551.

Kuss, D. J., & Griffiths, M. D. (2011). Online social networking and addiction: A review of the psychological literature. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 8*(9), 3528-3552.

Lam, L.T., Peng, Z.W., Mai, J.C., & Jing, J. (2009). Factors associated with Internet addiction among adolescents. *CyberPsychology & Behavior, 12*(5), 551-555.

Li, W., Garland, E. L., & Howard, M. O. (2014). Family factors in Internet addiction among Chinese youth: A review of English-and Chinese-language studies. *Computers in Human Behavior, 31*(1), 393-411.

Lopez-Fernandez, O. (2015). How has Internet addiction research evolved since the advent of Internet gaming disorder? An overview of cyberaddictions from a psychological perspective. *Current Addiction Reports, 2*(3), 263-271.

Lorente, S. (2002). Youth and mobile telephones: More than a fashion. *Revista de Estudios de Juventud, 57*(2), 9-24.

Mohammadkhani, P., Alkasir, E., Pourshahbaz, A., Jafarian Dehkordi, F., & Soleimani Sefat, E. (2017). Internet addiction in high school students and its relationship with the symptoms of mental disorders. *Iranian Rehabilitation Journal*, *15*(2), 141-148.

Oyserman, D., Bybee, D., & Mowbray, C. (2002). Influences of maternal mental illness on psychological outcomes for adolescent children. *Journal of Adolescence*, *25*(6), 587-602.

Salicetia, F. (2015). Internet addiction disorder (IAD). *Procedia-Social and Behavioural Sciences*, *191*, 1372-1376.

Satan, A. A. (2013). The factors influencing the Internet addiction of secondary education students. *Egitim Arastirmalari-Eurasian Journal of Educational Research*, *13*(53/A), 131-148.

Tracy, S. J. (2012). *Qualitative research methods: Collecting evidence, crafting analysis, communicating impact.* Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

Van den Eijnden, R. J., Meerkerk, G. J., Vermulst, A. A., Spijkerman, R., & Engels, R. C. (2008). Online communication, compulsive Internet use, and psychosocial well-being among adolescents: A longitudinal study. *Developmental Psychology*, *44*(3), 655-665.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]

Widyanto, L., & McMurran, M. (2004). The psychometric properties of the Internet Addiction Test. *CyberPsychology & Behavior*, *7*(4), 443-450.

Wright, J. P., & Cullen, F. T. (2001). Parental efficacy and delinquent behavior: Do control and support matter? *Criminology*, *39*(3), 677-706.

Wu, C. S. T., Wong, H. T., Yu, K. F., Fok, K. W., Yeung, S. M., Lam, C. H., & Liu, K. M. (2016). Parenting approaches, family functionality, and Internet addiction among Hong Kong adolescents. *BMC Pediatrics*, *16*(1), 130-140.

Xin, M., Xing, J., Pengfei, W., Houru, L., Mengcheng, W., & Hong, Z. (2018). Online activities, prevalence of Internet addiction and risk factors related to family and school among adolescents in China. *Addictive Behaviors Reports*, 7, 14-18.

Xiuqin, H., Huimin, Z., Mengchen, L., Jinan, W., Ying, Z., & Ran T. (2010). Mental health, personality, and parental rearing styles of adolescents with Internet addiction disorder. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, *13*(4), 401-406.

Xu, J., Shen, L. X., Yan, C. H., Hu, H., Yang, F., Wang, L., … Zhang, J. (2014). Parent-adolescent interaction and risk of adolescent Internet addiction: A population-based study in Shanghai. *BMC Psychiatry*, *14*(1), 112-130.

Young, K. S. (1998). Internet addiction: The emergence of a new clinical disorder, *Cyberpsychology & Behavior*, *1*(3), 237-244.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.8.2]